

نقد محتوای فقهی-تربیتی کتاب‌های دین و زندگی دوره متوسطه دوم

بی‌بی‌زینب حسینی*

حسین قائمی‌اصل**

محسن آزند***

چکیده

کتاب‌های دین و زندگی مقطع متوسطه دوم، در نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران، در موضوع تعلیمات دین اسلام، برای مخاطبان نوجوان، به عنوان منبع اصلی آموزش دین، مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ به همین جهت، لازم است این کتاب‌ها از جهات مختلف مورد نقد و ارزیابی قرار گیرند. نقد این کتب به روش تحلیل محتوا، نشان می‌دهد آموزه‌های فقهی کمترین سهم را در آموزش دینی نوجوانان دارد. این در حالی است که احکام فقهی کارکردهای مهمی مانند توجه دادن به پاکیزگی، وقت‌شناسی، مسئولیت‌پذیری و اطاعت‌پذیری دارد. فقدان نگرش سیستمی مؤلفان این کتب به دین، از جمله در احکام شرعی سبب‌گردیده است حتی در موضوعات محدود طرح شده، آموزه‌های فقهی در موضوع خانواده و اقتصاد که موضوعات مهم و اولویت‌دار در جامعه ایران است، از جهات مختلف قابل نقد باشد. این پژوهش تلاش دارد با تبیین جایگاه آموزه‌های فقهی در تربیت یک نسل سالم، پیشنهادی در راستای تبیین سیستمی احکام خانواده و اقتصاد با توجه به اهمیت آن در زندگی فردی و اجتماعی آینده ایران، ارائه دهد.

واژگان کلیدی: تربیت دینی، کتاب‌های دین و زندگی، احکام فقهی، نگرش سیستمی، آموزش دین، نقد کتاب.

مقدمه

تعلیم و تربیت یکی از مسائل اساسی زندگی انسان است و دامنه گسترده‌ای دارد. یکی از مهم‌ترین انواع تربیت، تربیت دینی است. اجرای این رسالت در کشور ایران، به نهاد آموزش و پرورش واگذار شده است. در این نهاد، کتاب‌های درسی به‌عنوان یک سازوکار مؤثر مطرح هستند. محتوای این کتاب‌ها می‌تواند نقش مؤثری در هدایت و پرورش دینی و اسلامی دانش‌آموزان ایفا کنند. نقش کتاب، در فرایند تعلیم و تربیت، فراهم کردن امکانات و شرایط مناسب برای ایجاد تغییرات مطلوب رفتاری در دانش‌آموزان از طریق آموزش است (ایمانی، ۱۳۸۳، ص ۱۱۶).

کتاب‌های دین و زندگی از کتاب‌های مهم درسی هستند که می‌توانند در امر تعلیم و پرورش باورها، بینش‌ها و ارزش‌ها و رفتار و عملکرد دینی نقش مهمی ایفا کنند. کتاب درسی و محتوای آن یکی از عناصر مهم آموزش و پرورش، به‌ویژه در نظام‌های آموزشی متمرکز است. کتاب‌های درسی به‌عنوان وسیله آموزشی فراگیر، زمینه‌ساز تحقق این اهداف کلی و آموزشی هستند (شعاری‌نژاد، ۱۳۸۸، ص ۳۶).

کاستن از آموزه‌های فقهی در کتاب‌های دین و زندگی، هیچ دلیل معقول و قابل‌پذیرشی ندارد. باید توجه داشت هدف از آموزش این کتاب‌ها، تربیت یک متکلم شیعی نیست؛ بلکه آموزش تعلیمات دینی به جوانان به‌منظور تربیت نسلی مؤمن به خداوند و اسلام و دارای عملکردی منطبق با دستورهای اسلام، در حوزه مسائل مختلف عبادی، خانوادگی، اقتصادی، سیاسی و... است. نسلی که خود را در برابر خانواده و اجتماع مسئول بداند و از فرجام نافرمانی از دستورهای خداوند بیمناک باشد. تربیت نسلی که رفتار و عملکرد صحیح ایشان ضامن سعادت دنیوی و اخروی فرد و جامعه باشد (حکیمی، ۱۴۲۱ق، ص ۱۰۵-۱۱۴) کاستن آموزش فقه از کتب دین و زندگی، سبب عدم دسترسی به این اهداف می‌گردد (بناری، ۱۳۸۱، ص ۳۹-۴۹).

تجربه تاریخی مسلمانان نشان می‌دهد، پس از رحلت نبی اکرم صلی الله علیه و آله، عمر بن خطاب مردم را از نقل و نگارش روایات فقهی بازداشت (ابن‌سعد، ۱۴۱۸ق، ج ۳، ص ۲۰۶) و استفاده از رأی و قیاس را جایگزین سنت نبوی نمود (ابن‌شبهه، ۱۳۹۹، ج ۲، ص ۶۶۲؛ Alishahi, 2017, 313-341). این موضوع سبب شد، پس از گذشت کمتر از نیم‌قرن، آگاهی مردم از دین به حداقل برسد (بلاذری، ۱۴۱۱ق، ج ۶، ص ۳۷۴) تا آنجا که مردم به قتل حسین بن علی علیه السلام، نوه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، که به دنبال احیاء سنت جدش بود، همت گماشتند (مرعشی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۷، ص ۱۹۹). ناآگاهی از احکام شرعی سبب پیدایش آسیب جدی در اعتقادات و اخلاق مسلمانان شد. با گذشت یک قرن از ادامه این سیاست، مسلمانان دریافتند اگر سیاست مذکور ادامه یابد، از اسلام چیزی باقی نمی‌ماند،

بنابراین مجدداً به پیروی از سنت نبوی روی آوردند و آن را سرلوحه زندگی خویش قرار دادند (قایماز ذهبی، ۱۴۰۵ق، ج ۸، ص ۵۳۵)؛ بنابراین، نقد مضمونی کمی و کیفی محتوای فقهی کتاب‌های دین و زندگی، به خاطر فراگیری آموزش و تأثیرگذاری بر تربیت دینی جوانان، ضرورت دارد.

روش تحقیق

روش تحلیل محتوای کمی و کیفی، یکی از روش‌های مهم شناسایی و گردآوری اطلاعات است که با توجه به موضوع، شرایط و اهداف تحقیقات علوم انسانی دارای کارکردهای متعدد و متنوعی بوده، نتایج آن قابلیت اثبات دارد. از قابلیت‌های این روش، امکان اعتبارسنجی آن توسط محققان دیگر و در نتیجه اثبات نتایج است (جانی‌پور، ۱۳۹۲، ص ۲۷-۵۸).

در واقع، تحلیل محتوا فن پژوهشی عینی، اصولی و کمی به‌منظور تحلیل محتواست و آن عبارت است از: قرار دادن اجزای یک متن (کلمات، عبارات و پارگراف‌ها) در واحدهایی که انتخاب می‌شود، در مقولاتی که از پیش تعیین شده‌اند (باردن، ۱۳۷۵، ص ۲۹). تحلیل محتوا روش‌های گوناگونی دارد که در این پژوهش از روش تحلیل محتوای مضمونی کمی و کیفی استفاده می‌شود.

ضرورت

روند انتقال پیام یا ایجاد ارتباط شامل چهار بعد متفاوت است: ۱. منبع پیام؛ ۲. پیام گیرنده؛ ۳. پیام؛ ۴. تأثیر یا نتیجه پیام (مسعودی، ۱۳۸۲، ص ۴۱). محتوای کتاب‌های دین و زندگی از جهات مختلفی قابل نقد و ارزیابی است. با وجود تلاش صورت گرفته در تدوین این کتاب‌ها، به نظر می‌رسد این کتاب‌ها از جهت اهداف آموزشی، نیازها و ضرورت‌های جامعه مخاطبان، محتوای کتاب‌ها، شیوه‌های انتقال مفاهیم دینی و... اشکالات مهمی دارد.

اگرچه در آموزه‌های دین اسلام، به‌ویژه تراث مکتب تشیع، همواره احکام و فقه، مهم‌ترین و گسترده‌ترین مباحث و آثار را به خود اختصاص داده‌اند؛ اما بررسی کمی محتوا، در این کتاب‌ها نشان می‌دهد، این موضوع در بین دیگر موضوعات، کمترین سهم را دارد و همین مقدار اندک نیز از جهت روش انتقال مفاهیم فقهی و از جهت کیفی قابل نقد است. در ادامه، برای اثبات این موضوع، جدولی از محتوای کمی موضوعات فقهی، اعتقادی و اخلاقی در این کتاب‌ها ارائه می‌شود.

جدول شماره ۱: محتوای کمی موضوعات کتاب دین و زندگی (۱)

نام درس	اعتقادات	اخلاق	احکام
درس اول: هدف آفرینش	ص ۱۴-۲۳		
درس دوم: پر پرواز		ص ۲۴-۳۳	
درس سوم: پنجره‌ای رو به روشنایی	ص ۳۳-۴۳		
درس چهارم: آینده روشن	ص ۴۴-۵۳		
درس پنجم: منزلگاه بعد	ص ۵۴-۶۳		
درس ششم: واقعه بزرگ	ص ۶۴-۷۳		
درس هفتم: فرجام کار	ص ۷۴-۸۵		
درس هشتم: قدم در راه		ص ۸۶-۹۷	
درس نهم: دوستی با خدا	ص ۹۸-۱۰۹		
درس دهم: یاری از نماز و روزه			ص ۱۱۰-۱۲۳ احکام عبادات
درس یازدهم: فضیلت آراستگی		ص ۱۲۴-۱۳۳	
درس دوازدهم: زیبایی پوشیدگی			ص ۱۳۴-۱۴۴ احکام خانواده
مجموع	%۴۲	%۴۲	%۱۶

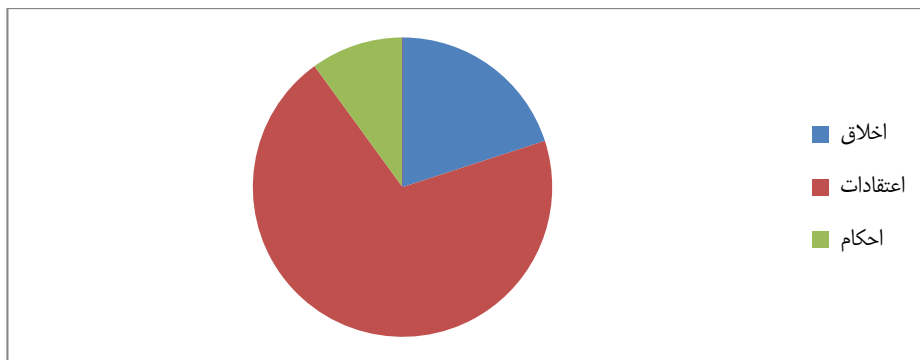
جدول شماره ۲: محتوای کمی موضوعات کتاب دین و زندگی (۲)

نام درس	اعتقادات	اخلاق	احکام
درس اول: هدایت الهی	ص ۶-۱۵		
درس دوم: تداوم هدایت	ص ۱۶-۳۱		
درس سوم: معجزه جاویدان	ص ۳۲-۴۵		
درس چهارم: مسئولیت‌های پیامبر ﷺ	ص ۴۶-۶۱		
درس پنجم: امامت تداوم رسالت	ص ۶۲-۷۵		
درس ششم: پیشوایان اسوه	ص ۷۶-۹۳		
درس هفتم: وضعیت فرهنگی مسلمانان پس از رسول خدا ﷺ	ص ۹۴-۱۰۵		
درس هشتم: احیای ارزش‌های راستین (امامت)	ص ۱۰۶-۱۲۳		
درس نهم: عصر غیبت	ص ۱۲۴-۱۳۹		
درس دهم: مرجعیت و ولایت فقیه	ص ۱۴۰-۱۵۱		
درس یازدهم: عزت نفس		ص ۱۵۲-۱۶۵	
درس دوازدهم: پیوند مقدس			ص ۱۶۸-۱۸۴ (احکام خانواده)
درصد کمی موضوعات	%۷۸	%۱۶	%۶

جدول شماره ۳: محتوای کمی موضوعات کتاب دین و زندگی (۳)

نام درس	اعتقادات	اخلاق	احکام
درس اول: هستی بخش	ص ۲-۱۷		
درس دوم: یگانه بی‌همتا	ص ۱۸-۲۹		
درس سوم: توحید و سبک زندگی	ص ۳۰-۴۱		
درس چهارم: فقط برای او		ص ۴۲-۵۳	
درس پنجم: قدرت پرواز	ص ۵۴-۶۷		
درس ششم: سنت‌های خداوند در زندگی	ص ۶۸-۷۹		
درس هفتم: بازگشت		ص ۸۴-۹۷	
درس هشتم: احکام الهی در زندگی			ص ۹۸-۱۱۱ (موضوعات متنوع)
درس نهم: پایه‌های استوار	ص ۱۱۲-۱۳۱		
درس دهم: تمدن جدید و مسئولیت‌ها	ص ۱۳۳-۱۴۵		
درصد کمی موضوعات	%۸۰	%۱۰	%۱۰

میانگین محتوای احکام فقهی در کتاب‌های دین و زندگی در سه پایه، حدود ۱۰ درصد محتوای کتاب‌های آموزشی موضوعات اعتقادی ۷۰ درصد، اخلاق ۲۰ درصد است.



نمودار شماره ۱: میانگین محتوای کتاب‌های دین و زندگی ۱-۳

پیشینه پژوهش

تاکنون مقالات فراوانی در نقد محتوای کتاب‌های دین و زندگی نگاشته شده است، مانند تحلیل محتوای کتاب‌های دین و زندگی، اثر محمد مزیدی و سبحانی‌نژاد، نقدی بر کتاب‌های دین و زندگی، سید محمد دلبری؛ و...؛ ولی در بین آثار نگاشته شده، تاکنون درباره اهمیت و نقش فقه و احکام شرعی در تربیت دینی جوانان، مقاله یا کتابی نوشته نشده است و کتاب‌های دین و زندگی از

این جهت آسیب‌شناسی نشده‌اند. اگرچه در موضوع تأثیر دانش فقه بر دانش تربیت، مقالاتی توسط علیرضا اعرافی، اسماعیل اخلاقی و... نوشته شده است.

بررسی پیشینه این موضوع، نشان می‌دهد؛ نخستین بار طرح کاهش آموزش فقه در کتاب‌های دینی، از سوی مهندس مهدی بازرگان ارائه شده است و برای آن دلایل قابل قبولی ارائه نشده است (بازرگان، ۱۳۳۸، ص ۸-۱۲). این پیشنهاد از طرف آموزش و پرورش وقت، تأیید شد و پس از گذشت چهل سال، همچنان در کتاب‌های دین و زندگی دانش‌آموزان، بدون بازنگری اعمال شده است.

نسل جوان، در نتیجه این نوع از آموزش، می‌تواند بسان یک متکلم شیعی، از مبانی اعتقادی خود دفاع کند، ولی در میدان عمل، به علت ناآگاهی از احکام و اهمیت آنها، گاه حتی از انجام ساده‌ترین و ابتدایی‌ترین وظایف یک مسلمان ناتوان است.

جایگاه فقه در آموزه‌های دینی

«دین» واژه‌ای عربی است که در لغت به معنای طاعت، انقیاد، روش، ... آمده است (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۳۱۹؛ فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۳۱۹؛ ...). دین در واقع آن چیزی است که معبود به واسطه آن، اطاعت می‌شود و در اصطلاح، مجموعه‌ای وحیانی و عقلانی از عقاید، اخلاق و مقررات است که نظر به اداره زندگی فردی و اجتماعی انسان دارند. آموزه‌های دینی در بخش اعتقادی، مسائل مربوط به صفات خدا، توحید، نبوت، وحی و معاد را می‌کاود. در بخش اخلاق، تعالیمی را دارد که در پی کسب فضائل و رفع رذائل اخلاقی‌اند، و سرانجام، واپسین بخش آن، ویژه مناسک و اعمال و احکام است، یعنی مقررات دینی که رفتار انسان با خود، خدا و اجتماع را تعیین می‌کند (پژوهشکده تحقیقات اسلامی، ۱۳۸۶، ص ۳۶۴). برخی دیگر دین را چنین تعریف کرده‌اند: عبارت از برنامه حقیقی و دستور واقعی نگاه‌دار حدّ انسان و تحصیل سعادت ابدی آن است (حسن‌زاده آملی، ۱۳۸۱، ج ۳، ص ۴۶۰). بنابراین دین شامل سه نوع آموزه کلی اعتقادات، اخلاق و فقه است، ولی روشن است که با توجه به مفهوم لغوی، مهم‌ترین بخش از آموزه‌های دینی، همان احکام شرعی است و اگر اخلاق و اعتقادات، نیز جزء این مجموعه به شمار می‌آیند، از آن جهت است که منجر به اطاعت بهتر از خداوند شوند و نقش مقدماتی یا ابزاری دارند، به همین جهت، فقه در علوم اسلامی، اشرف علوم است (ابن‌براج، ۱۴۰۶ق، ص ۵؛ شهید ثانی، ۱۴۲۰ق، ص ۱۱؛ میرحامد حسین، ۱۳۶۶، ج ۸، ص ۶۴)، ولی نخستین بار غزالی، علم کلام را به‌عنوان اشرف علوم اسلامی معرفی کرد (غزالی، ۱۴۱۶ق، ص ۷؛ ساعدی، ۱۴۲۶ق، ص ۱۱۸) و به تدریج آن‌قدر مباحث عقلی و کلامی در علوم اسلامی گسترده شد که برخی گمان کردند این

علم ارزش ذاتی دارد، در حالی که هدف از این علم، رسیدن به مرحله اطاعت از پروردگار است. ولی در طرح کردن و پرداختن به موضوعات اخلاقی، اعتقادی و فقهی لازم است تعادل رعایت شود.

آموزه‌های فقهی

فقه در لغت به معنای فهمیدن است و در اصطلاح عبارت است از: علم به احکام فرعی شرع اسلام (نه مسائل اصول اعتقادی یا تربیتی بلکه احکام عملی) از روی منابع و ادله تفصیلی (یعنی روایات، قرآن، ...) (مطهری، بی تا، ج ۲۰، ص ۲۴). هر حکم مشخص‌کننده وظیفه‌ای است که خداوند متعال در مورد هر یک از کارهای بندگانش، از آنها انتظار دارد. هدف این احکام، این است که انسان در عالم واقعیت، به اراده شارع عینیت ببخشد.

در تاریخ اندیشه دینی شیعه، فقه به عنوان دانش مسلط و چهره غالب معارف دینی مطرح بوده است، ولی به تدریج، توسعه اشکالات و شبهات اعتقادی، پاسخگویی به این پرسش‌ها سبب شد، برای رسیدن به مرحله اطاعت، از خداوند و احکام وی، به مباحث کلامی به عنوان دانش مادر و برتر پرداخته شود (جمعی از مؤلفان، بی تا، ج ۱، ص ۵۰). بروز این اشکال، یعنی در اولویت قرار دادن علم کلام، در کتب آموزشی آسیب مهمی در نتایج و اهداف آموزشی ایجاد کرده است. چون مقدمه دانش دینی، یعنی فقه، به مراتب بزرگ‌تر از اصل موضوع است، مانند یک سر بسیار بزرگ بر بدنی بسیار کوچک که سبب بروز یک چهره کاریکاتوری از مسلمان خواهد شد، مسلمانی که ادعاهای زیادی دارد، ولی در مرحله عمل، ناکارآمدتر از یک غیر مسلمان عمل می‌کند.^۱

آنچه از معصومان علیهم‌السلام به دست ما رسیده است، در بخش اعظم خود شامل احکام شرعی است نه اعتقادات و اخلاق.^۲ در روایات امام صادق علیه‌السلام از فقه با کلمه علم یاد شده است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۴۴) و در سده دوم هجری، علم به معنای فقه بوده است و عموماً عالم دینی کسی بود که فقیه به شمار می‌آمد (حجاب، ۱۹۶۱، ص ۳۶۷). کلام اسلامی و اخلاق جزء علوم است که اگر چه در کلام معصومان علیهم‌السلام و قرآن ریشه جدی دارد، ولی جزء علوم متأخر هستند.

امام صادق علیه‌السلام بر یادگیری فقه و احکام شرعی تأکید بسیاری داشته است (برقی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۹۳). در طول تاریخ، شیعیان با تأکید بر احکام شرعی شناخته می‌شدند (کشی، ۱۳۴۸،

۱. افزایش آمار طلاق، فساد جنسی و... در میان نسل جوان پس از گذشت چند سال از حکومت اسلامی و آموزش مذهبی نوجوانان و جوانان از طریق کتاب‌های آموزشی، رسانه‌ها و... گواه بر این مطلب است (بحرانی، ۱۳۹۲، ص ۴۳-۵۶).
 ۲. برای نمونه حجم حداکثری روایات کتاب کافی را که بزرگ‌ترین جامع حدیثی متقدم شیعه است، روایات فقهی تشکیل می‌دهد.

ص ۵۵۷). در سده دوم هجری صادقین (علیهم السلام) مهم‌ترین تلاش خود را معطوف تبیین احکام شرعی نموده‌اند (علی صغیر، ۲۰۰۴، ص ۷۱).

آنچه به‌عنوان بعد بیرونی و عینی یک انسان متدین دیده می‌شود و سبب تمییز انسان متدین از بی‌دین می‌شود، رعایت احکام شرعی است. در بعد اخلاق و اعتقادات، بسیاری از ادیان و حتی جوامع لائیک با همدیگر مشترک هستند؛ زیرا اعتقادات و اخلاق، بیشتر مبتنی بر مسائل عقلی و فطری هستند که برای همه انسان‌ها قابل درک است (همامی، ۱۳۹۳، ص ۱-۲۰). ولی آنچه مسلمان را از غیر مسلمان متمایز می‌کند، احکام شرعی است که او بدان عمل می‌کند. اگرچه ممکن است در زمینه اخلاق و اعتقادات نیز تمایزهای جدی وجود داشته باشد؛ ولی در نهایت دین، به‌معنای روش و آیین، طریقه‌ای است که فرد برای زندگی عینی و خارجی خود انتخاب می‌کند و اگر احکام شرعی را رعایت نکند هرچند اعتقادات صحیحی داشته باشد، مردم او را متدین نمی‌دانند؛ بنابراین، می‌توان گفت احکام شرعی، مهم‌ترین بعد و جنبه و مهم‌ترین آموزه‌های دینی است.

مهم‌ترین کارکردهای تربیتی فقه

۱. **تطهیر:** در همه آیات قرآن کریم و احکام شرعی تطهیر روح، ساری و جاری است. هدف از نزول قرآن کریم تطهیر و تزکیه انسان است و تمام احکام شرعی در این راستا قرار دارند و برای این هدف و کارکرد جعل شده‌اند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۹، ص ۵۱۳). طهارت و دوری از آلودگی‌ها، هم در اعتقادات و هم در اخلاق و هم در احکام شرعی وجود دارد.

همه احکام شرعی برای تطهیر وضع شده است. وضو برای طهارت از خباثت‌های ظاهری و باطنی انسان، روزه برای پاک شدن قلب انسان از امیال و هوس‌های نفسانی و توجه تام به خداوند، زکات برای پاک شدن جامعه از آلودگی فقر، «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ» (توبه، ۱۰۳)،^۱ جهاد برای سلامت جامعه از خطر توطئه و فتنه، حجاب برای سلامت روابط اجتماعی زنان و مردان، «إِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ» (احزاب، ۵۳) وضع شده است.^۲ به‌طور کلی، نزول کتاب و حکمت، برای تزکیه و تطهیر انسان است: «يَتْلُوا عَلَيْهِنَّ آيَاتِكَ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ» (بقره، ۱۲۹)؛^۳ بنابراین اگر احکام شرعی در کتاب‌های آموزشی کم‌رنگ باشد، نمی‌توان توقع جامعه‌ای سالم و پاک داشت.

۱. از اموال آنها صدقه‌ای (به‌عنوان زکات) بگیر، تا به وسیله آن، آنها را پاک سازی و پرورش دهی!
 ۲. هنگامی که چیزی از وسایل زندگی را (به‌عنوان عاریت) از آنان [همسران پیامبر] می‌خواهید از پشت پرده بخواهید: این کار برای پاکی دل‌های شما و آنها بهتر است!
 ۳. تا آیات تو را بر آنان بخواند و آنها را کتاب و حکمت بیاموزد و پاکیزه کند.

۲. مسئولیت‌پذیری: یکی از کارکردهای مهم احکام فقهی مسئولیت‌پذیری است. حکم شرعی به این معناست که اگر دستورالعمل دینی حجت شناخته شد و لازم‌الاتباع شد، در صورت تبعیت مستوجب پاداش است، اگر تبعیت صورت نگیرد، مستوجب عقاب است (صنقور، ۱۴۲۸ق، ج ۱، ص ۵۷۵). بنابراین، احکام شرعی احکامی خنثی و بی‌اثر نیستند، مثلاً پرداخت نفقه زن توسط مرد واجب است؛ بنابراین اگر مردی از این امر استنکاف ورزد، مستحق عقاب است. یکی از کارکردهای مهم احکام شرعی در رفتار متدینان، افزایش مسئولیت‌پذیری است؛ زیرا درمی‌یابند که در برابر سرمایه مهم زندگی خود، مانند ثروت، خانواده، سلامتی، جامعه و...، باید پاسخگو باشند و نمی‌توانند بی‌تفاوت و تنها به دنبال اغراض و منافع شخصی خود باشند.

با کاستن از کمیت موضوعات فقهی در کتاب‌های درسی، طبیعی است مسئولیت‌پذیری در جوانان به حداقل کاهش یابد. در گذشته، دختران و پسران، پس از رسیدن به سن بلوغ، به تدریج برای پذیرفتن وظایف خانه‌داری، همسررداری و تربیت فرزندان آماده می‌شدند، در حالی که کارکرد فرهنگ خودمحوارانه جهان معاصر و عدم اتخاذ روش مناسب تقابل با این رویکرد در کتاب‌های دین و زندگی، سبب شده جوانان نسبت به یکدیگر و نسبت به نسل آینده خود، احساس تعهد و مسئولیت کمی داشته باشند و تأمین نیازهای خودشان، اولویت آنها باشد. در صورت ازدواج، به نیازهای همسر و فرزندانشان نیز توجه نمی‌کنند، به بهانه آزادی، به راحتی جدا می‌شوند و کودکان خود را با آینده‌ای دشوار رها می‌کنند (بحرانی، ۱۳۹۲، ص ۴۳-۵۶).

در حالی که کتاب‌های دین و زندگی، با استفاده از فقه اسلامی، می‌تواند ابزار کارآمدی در جهت افزایش حس مسئولیت‌پذیری مردان و زنان در مقابل فرزندانشان باشد، این کتاب‌ها توانایی آماده‌سازی جوانان، برای پذیرش وظایف شرعی‌شان، پیش از ورود به نهاد خانواده را دارا هستند.

۳. نظم و وقت‌شناسی: دقت در احکام شرعی نشان می‌دهد احکام شرعی، به‌ویژه عبادات، دارای زمان هستند، مثلاً نماز، در برخی ساعات شبانه‌روز، روزه در برخی ایام سال، زکات و خمس سود، مازاد درآمد سالیانه، جهاد، در زمان هجوم دشمن، و حج در ماه ذی‌حجه باید انجام شود. انسان نمی‌تواند ۶۱۸۸ رکعت نمازهای یک سال کامل را در چند وعده بخواند و از وظیفه روزانه خود سلب مسئولیت نماید و یا مبلغ زیادی را به فقرا پرداخت نماید و خود را بی‌نیاز از پرداخت خمس و زکات بداند.

یکی از مهم‌ترین آثار این برنامه زمان‌بندی‌شده عبادات، توجه مسلمان به مسئله زمان است. بنابراین یک فرد متدین نمی‌تواند به زمان بی‌توجه باشد (مه‌دوی کنی، ۱۳۸۴، ص ۴۶۵) و به همین شکل، دیگر احکام شرعی از انسان، یک فرد وقت‌شناس و منظم می‌سازد (رضایی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۱۸۹).

وقت‌شناسی ویژگی مهمی است که اگر در یک انسان شکل بگیرد، زمینه رشد و ارتقای وی را فراهم می‌آورد. در قرآن کریم، نتیجه بی‌توجهی به نماز، بی‌توجهی به زمان و گذراندن وقت به بطلت است «قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمَصْلِيِّينَ * وَلَمْ نَكُ نَطْعِمُ الْمِسْكِيْنَ * وَكُنَّا نَحْوُصُّ مَعَ الْخَائِضِيْنَ» (مدثر، ۴۳-۴۵).^۱

عدم آموزش و عمل نکردن به موضوعات فقهی، می‌تواند در ولنگاری به هر جهت بودن نسل جوان موثر باشد، نظم و ترتیب و وقت‌شناسی، از میان جوانان رخت بر بسته و ساعات و روزها و شب‌های خود را بدون احساس گناه و عذاب وجدان، در فضای مجازی سپری می‌کنند. در حالی که تربیت دینی، به ویژه احکام شرعی، اگر به روش سیستمی تبیین شود، می‌تواند مؤمن را از پرداختن به امور لغو منصرف نماید و سبب شود، جوان مسلمان برای شبانه‌روز خود، برنامه‌زمان‌بندی شده قرار دهد.

ممکن است گفته شود، در برخی دروس به اهمیت زمان و برنامه‌ریزی و هدف‌مندی در زندگی اشاره شده است، ولی هدف در اینجا طرح این موضوع نیست؛ بلکه ارائه راهکار عملی برای نظم و برنامه‌ریزی است. نظم و وقت‌شناسی یکی از کارکردهای مهم فقه است.

دقت در ادای نماز و در اوقات آن، به‌عنوان یک فریضه، دارای کارکرد وقت‌شناسی است. یکی از نکات منفی در این کتاب‌ها این است که اگرچه در این کتاب تصریح شده که نماز ستون دین است، ولی برای این ستون (از مجموع ۳۴ درس) تنها نصف یک درس لحاظ شده است و در همان اندک مجال هم یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های نماز مقبول که ادای فریضه در وقت فضیلت آن است، مطرح نشده است. در حالی که قرآن کریم در آیات مختلف بر دقت بر وقت نماز تصریح کرده است. «إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْقُوتًا» (نساء، ۱۰۳)^۲ و روایات مهمی نیز در این باره وجود دارد. مثلاً امام باقر (علیه السلام) می‌فرماید: «شفاعت ما به کسی که نماز را کوچک بشمارد، نمی‌رسد» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۲۷۰). در کتاب دین و زندگی درباره موانع تأثیر نماز بر رشد انسان، مسئله غصبی نبودن اموال و رضایت پدر و مادر ذکر شده است، ولی به مسئله اهمیت نماز در وقت آن حتی اشاره هم نشده است و آن‌قدر این موضوع به اختصار مطرح شده است که حتی برای احکام شرعی نماز، دانش‌آموز به رساله مرجع تقلیدش ارجاع شده است، در حالی که اختلاف نظر در احکام نماز بسیار اندک است و این ارجاع، حکایت از بی‌اهمیتی موضوع در نزد نگارندگان این کتاب‌ها دارد.

حال آنکه برخی موارد کلامی، مانند جبر و اختیار، مسئله ولایت و امامت، در این کتاب دارای تطویل نابجا است. اگر تمامی این تأکیدها بر مسئله ولایت، در کتب دین و زندگی برای مشارکت

۱. می‌گویند: «ما از نمازگزاران نبودیم، و اطعام مستمند نمی‌کردیم و پیوسته با اهل باطل همنشین و هم‌صدا بودیم».

۲. نماز را (به‌طور معمول) انجام دهید؛ زیرا نماز وظیفه ثابت و معینی برای مؤمنان است.

جوانان در امور سیاسی است، باید به نگارندگان خاطرنشان کرد، آمارهای جامعه‌شناسی نشان می‌دهد، در حال حاضر، مسئولیت‌پذیری جوانان، در امور سیاسی چندان قابل توجه نیست (طالبی، ۱۳۹۱، ص ۲۰۷-۲۴۰) و این نشان می‌دهد آموزش نظری این موضوعات با تمام شرح و بسط آن اثر اندکی بر عملکرد جوانان داشته است.

۴. بندگی و اطاعت‌پذیری: یکی دیگر از کارکردهای مهم احکام شرعی، بندگی و اطاعت‌پذیری است. انسان متدین نمی‌تواند از دلیل احکام شرعی پرسشی نماید که منجر به عدم تبعیت وی شود و اگر یک حکم شرعی، به دلیل قطعی حجت شناخته شود، لازم‌الاتباع می‌شود و نمی‌توان آن را انکار کرد. به تدریج، احکام شرعی روح عبودیت و تسلیم را در انسان مؤمن تقویت می‌کند (بناری، ۱۳۸۱، ص ۳۹-۴۹). اطاعت‌پذیری در سطح کلان و مدیریت یک جامعه موضوع مهمی است که اگر در جامعه‌ای کم‌رنگ باشد، حکومت را به چالش می‌کشاند و هیچ حکومتی نمی‌تواند بر مردمی که روحیه اطاعت نداشته باشند، حکومت کند و همواره در اعمال سیاست و برنامه‌ریزی‌های اصلاحی خود دچار مشکل خواهد بود (ملکی، ۱۳۹۷، ص ۷۷-۹۴). بسیاری از جامعه‌شناسان، دین را عامل مهمی در جامعه‌پذیری فرد، یعنی پایبندی فرد، به ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی می‌دانند (میرزائی، ۱۳۹۰، ص ۲۷-۵۵). بنابراین به نظر می‌رسد، به جای تطویل موضوعات کلامی در مسئله ولایت، امامت، ...^۱ اگر لزوم تبعیت از احکام شرعی و اطاعت از خداوند و رسولش و یا حاکم جامعه اسلامی به عنوان یک هدف آموزشی، مدنظر نویسندگان کتاب‌های دین و زندگی باشد، با طرح موضوعات فقهی این غرض بیشتر تأمین می‌شود.

همچنین باید توجه داشت، بسیاری از مخاطبان این کتاب‌ها به دلیل جذب شدن در محیط کسب و کار یا تحصیل در رشته‌های غیرعلوم انسانی، ممکن است هرگز فرصت آشنایی با وظایف شرعی خود در موضوعات عبادی، اقتصادی، خانوادگی، و... را پیدا نکنند. اطاعت‌پذیری آحاد مردم از حاکم، مورد توقع و مطلوب در رشد و توسعه جامعه اسلامی است و این مهم از کارکردهای مهم آموزش فقه است.

نگرش سیستمی به فقه اسلامی

با مقدمات طرح شده، ضرورت مسئله بیان احکام شرعی برای دانش‌آموزان و تأکید بر اهمیت و کارکرد آن روشن شد، پرسشی که در اینجا مطرح می‌شود آن است که آموزش احکام فقهی باید با چه روشی برای دانش‌آموزان اجرا شود که هم خسته‌کننده نباشد و هم جذابیت لازم را داشته باشد،

۱. تقریباً کل کتاب دین و زندگی پایه دوم دبیرستان به موضوع نبوت و ولایت اختصاص یافته است.

هم بعد تفکر و تدبیر در دانش‌آموزان تضعیف نشود؛ راهکاری که برای این نوع آموزش پیشنهاد می‌شود، آموزش فقه به روش سیستمی است.

سیستم به معنای مجموعه دارای اجزائی است که از کارکرد هماهنگ آن اجزا هدفی تأمین می‌شود، مثلاً یک خودرو، دارای اجزاء متفاوتی از موتور، چرخ، فرمان و... است که برای حمل و نقل آسان انسان طراحی شده است. فقه اسلامی به مثابه یک سیستم دارای اجزاء است. فهم کارکرد احکام مختلف فقهی، در نگرش سیستمی به شکلی ممکن است که رابطه احکام با یکدیگر در راستای دسترسی به اهداف شریعت مورد توجه قرار گیرد.

علامه طباطبایی و بسیاری دیگر از بزرگان، معتقدند قرآن کتابی است که هرکس در آن خردمندانه بنگرد درمی‌یابد که این کتاب از جانب خداوند حکیم و عالم است و این کتاب نمی‌تواند بشری باشد و سخن گفتن از اعجاز برای عوام است و خردمندان درمی‌یابند که این کتاب از جانب خداوند است (طباطبایی، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۱۹۳). قرآن کریم می‌فرماید: «مَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ» (بقره، ۲۶۹).^۱ پرسش آن است که این چه ویژگی‌ای است که سبب می‌شود خردمندان دریابند که این کتاب از جانب خداست؟

هر خواننده‌ای که در آیات قرآن کریم، به ویژه آیات الاحکام، می‌اندیشد درمی‌یابد در پس این احکام جزئی، اهدافی کلی نهفته است که تمام این آیات برای رسیدن به آن اهداف کلی وضع شده است؛ بنابراین گوینده این کتاب در موضوعات گوناگون، مانند خانواده، اقتصاد، سیاست و... دارای رویکردی است به این معنی که احکامی که در یک موضوع خاص مانند خانواده وضع شده است، رساننده به اهدافی است که از جعل و وضع آن احکام مورد نظر بوده است. برخی از این اهداف، تعبیر به مصالح مرسله یا مذاق شارع، اهداف شارع و... کرده‌اند (صرامی، ۱۳۸۳، ص ۸۱-۱۰۱). برخی از این اهداف واضح و روشن هستند، مانند حفظ مال، جان، آبرو، ... و برخی نیاز به دقت و تأمل بیشتری دارند که اگر انسان خردمندانه در آیات الاحکام بیندیشد به آن دست می‌یابد و عدم تفکر درباره آن، سبب می‌شود احکام شرعی مجموعه‌ای بی‌روح و خشک از قوانین غیرقابل درک، در زنجیره‌ای از قیود و خرافات به شمار آید که هر روز برای اصلاح و یا تعدیل و یا نادیده گرفتن آن باید تلاش کرد.^۲

کاستن از حجم احکام فقهی نتوانسته تأثیر مثبتی بر عملکرد نسل جوان داشته باشد؛ بلکه باید آیات الاحکام به روشی جدید و سیستمی تبیین شود؛ زیرا هر صاحب‌خردی اگر به موضوعات

۱. و جز خردمندان، (این حقایق را درک نمی‌کنند و) متذکر نمی‌گردند.

۲. مانند کتاب‌های فراوانی که توسط روشنفکران معاصر مانند نصر حامد ابوزید، عبدالکریم سروش، ابوالقاسم فنایی و... درباره لزوم نادیده گرفتن برخی از احکام شرعی نوشته شده است.

مختلف، مانند احکام خانواده، اقتصاد، سیاست و... در قرآن کریم بنگرد، اولاً، درستی و غیربشری بودن آن را در می‌یابد و به مرحله تبعیت می‌رسد؛ ثانیاً، از آثار و نتایج مهم احکام فقهی بهره‌مند می‌شود و نسبت به لزوم تبعیت از احکام فقهی بصیرت پیدا می‌کند. در حالی که با روش موجود، همچنان احکام شرعی به خاطر ابهامش و یا تعارض ظاهری‌اش با حقوق بشر یا عدالت و... نیاز به تبیین دارد.

در اینجا دو موضوع مهم که طرح احکام مربوط به آن بعد از احکام عبادات ضرورت بیشتری دارد، و جامعه معاصر ایران در این دو حیطه، دچار مشکلات فراوانی است و تبعیت از احکام شرعی می‌تواند تأثیر مهمی در حل معضلات جامعه داشته باشد، بررسی می‌شود که عبارت‌اند از:

۱. احکام مربوط به خانواده؛ ۲. احکام مربوط به اقتصاد.

۱. احکام مربوط به خانواده

بسیاری از جوانان، به‌ویژه دختران، پس از گذراندن تحصیلات مقطع متوسطه، باید کم‌کم آماده ازدواج و سرپرستی از کودکان شوند. آموزش سیستمی احکام مربوط به خانواده می‌تواند آگاهی نسل جوان را درباره وظایف و حقوقشان به دنبال داشته باشد و از بروز بسیاری از معضلات، مانند عدم اعطاء نفقه، عدم تمکین، بدحجابی، طلاق، حضانت و... جلوگیری کند.

احکام مربوط به خانواده در کتاب‌های تعلیمات دین و زندگی

در کتاب‌های دین و زندگی، در دو مورد احکام مربوط به خانواده بیان شده است: درس زیبایی پوشیدگی و پیوند مقدس.

در درس پیوند مقدس، نخستین هدف از ازدواج رفع نیاز جنسی و هدف دوم آن کسب آرامش معرفی شده است که این مسئله به‌خاطر نقص نگرش سیستمی به احکام فقهی و خانواده در قرآن کریم به‌وجود آمده است؛ بنابراین همان‌طور که پیشتر بیان شد، نویسندگان کتاب‌ها یک نگاه جامع نسبت به آموزه‌های دینی اسلام، به‌ویژه احکام فقهی، ندارند. همان‌طور که گفته شد، کارکرد چنین آموزه‌ای در اولویت قرار دادن رفع نیاز جنسی، به‌عنوان هدف از ازدواج، افزایش ظاهرگرایی، مدگرایی، خودخواهی و در نتیجه طلاق و عدم احساس مسئولیت والدین در برابر خانواده و فرزندان است.

در درس زیبایی پوشیدگی نیز علت حکم حجاب، آلوده نشدن به هوس توسط مردان و حضور سالم زنان در جامعه، به‌عنوان هدف تشریح حکم حجاب، بیان شده است. در حالی که در قرآن کریم، هدف از تشریح حکم حجاب دو مسئله است، نخست طهارت معنوی، خداوند می‌فرماید:

زنان در خانه بنشینند و خودنمایی جاهلانه نکنند، زیرا خداوند می‌خواهد، اهل خانه را پاک کند (احزاب، ۳۳)، در این آیه پاکی و طهارت معنوی اهل خانه در گرو پاکدامنی زنان معرفی شده است؛ دوم، افزایش تمایل مردان برای ازدواج و تشکیل خانواده است؛ زیرا طبیعت انسان به چیزی که از آن نهی شود، تمایل بیشتری دارد؛ بنابراین اگر زنان در جامعه‌ای حجاب داشته باشند، مردان انگیزه بیشتری برای ازدواج خواهند داشت. به همین دلیل است که حکم حجاب از زنان پیر و فرتوتی که امید ازدواجشان نیست، برداشته شده است (نور، ۶۰).

تبیین احکام خانواده به روش سیستمی

ازدواج نخستین سنگ بنای تشکیل خانواده جامعه است و میزان اندیشه و تدبیر در آن، در میزان پیشرفت یا انحطاط و صعود یا سقوط جامعه تأثیر دارد. ازدواج آثار و نتایج بسیاری دارد؛ از جمله رضای غریزه جنسی، تولید و بقای نسل، تکامل انسان، آرامش و سکون، پاکدامنی و عفاف و نتایج فراوان دیگر.

از این رو، اسلام به‌عنوان یک مکتب آسمانی آن را نه تنها کاری محبوب و مقدس دانسته، بلکه جوانان را مؤکداً بدان توصیه کرده است (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰۰، ص ۲۱۷). هر ازدواجی دارای اهداف خاص خود است، ولی در این میان، برخی از اهداف کم‌ارج و کم‌اهمیت و در نتیجه، ناپایدارند و نمی‌توانند برای همیشه و یا حتی مدتی طولانی خوشبختی زوجین را تضمین کنند. برخی نیز ارجمند، مهم و در نتیجه پایدارند؛ بنابراین، شایسته است ازدواج با توجه به این اهداف در نظر گرفته شود.

با توجه به اینکه ازدواج عاملی برای نجات از آلودگی و تهایی و سببی برای بقای نسل است، خودداری از آن همیشه سبب ایجاد بی‌تعادلی، نابهنجاری رفتاری و گاهی فساد شخصیت و حتی بیماری جسمی می‌شود. بنابراین، از نظر اسلام بهترین و بالاترین نعمت‌ها برای هر زن و مرد تشکیل خانواده است. گمان نمی‌رود از بین مکاتب و مذاهب، هیچ مذهبی به اندازه اسلام درباره ازدواج بحث کرده باشد. ازدواج از نظر اسلام امری مستحب، مورد تأکید و سنت انبیا علیهم‌السلام معرفی شده و جوانی که بدان تن دهد در حقیقت، همگام با آفرینش و سعادت‌مند است. هدف از ازدواج تنها رفع نیاز جنسی نیست؛ بلکه اهداف مهم‌تری دارد و آن آرامش و تربیت یک نسل سالم و صالح و بقای نوع انسان مسلمان است (آشتیانی، ۱۳۹۱، ص ۵۵-۸۴).

در اسلام تولید مثل امری مقدس و لازم شمرده می‌شود و شکی نیست که سنت الهی بر بقای نوع است؛ زیرا کثرت مؤمنان سبب نشر دین است. در اسلام، رویکرد مثبتی نسبت به مسئله تحدید نسل دیده نمی‌شود (خوئی، ۱۳۷۶، ش ۱، ص ۲۰-۲۲). آیات فراوانی در قرآن، تولیدمثل را تشویق

می‌نماید و برخلاف آن از تحدید نسل منع می‌کند: «وَاللّٰهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَجَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ بَنِينَ وَحَفَدَةً» (نحل، ۷۲)؛^۱ «وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ حَسْبِيَ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَإِيَّاكُمْ إِنَّ قَتْلَهُمْ كَانَ خِطْئًا كَبِيرًا» (اسراء، ۳۱).^۲

در جوامع حدیثی نیز روایات بسیاری دیده می‌شود که تکثیر نسل را امری مقدس و پسندیده معرفی می‌کنند: «وَقَالَ النَّبِيُّ ﷺ: النَّكَاحُ سُنَّتِي فَمَنْ رَغِبَ عَنْ سُنَّتِي فَلَيْسَ مِنِّي؛ ازدواج سنت من است، هرکس از سنت من روی گرداند، از من نیست». «وَقَالَ ﷺ: تَتَاكَمُّوا تَتَأَسَّلُوا تَكْتَثُرُوا فَإِنِّي أَبَاهِي بِكُمْ الْأُمَمَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَوْ بِالسَّقَطِ؛ ازدواج کنید و فرزند بیاورید، تا نسلتان افزایش یابد، زیرا من به اتمم افتخار می‌کنم حتی به فرزندان سقط شده آن» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰۰، ص ۲۰۳).

در آیین اسلام، توصیه بسیاری به ازدواج شده است و ازدواج، عامل رشد، ارتقاء، کمال جسمی و معنوی انسان شمرده شده است: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْتَكِرُونَ» (روم، ۲۱)؛^۳ «هِنَّ لِيَأْسُ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِيَأْسُ هُنَّ» (بقره، ۱۸۷).^۴ بنابراین هدف از ازدواج، کمال انسانی است؛ ولی رابطه جنسی - که تنها در چارچوب ازدواج مجاز است - هدف دیگری دارد و آن تولیدمثل است، آیات قرآن کریم نشانگر آن است که هدف از رابطه جنسی تولیدمثل است و اسلام به رابطه جنسی بر مبنای لذت‌گرایی نمی‌نگرد. بنابراین بسیاری دیگر از انواع رابطه جنسی که منجر به تولیدمثل صحیح و سالم نمی‌شود، مانند زنا، لواط، مساحقه و... در اسلام ممنوع است. در اسلام لازم است فرزند از پدر و مادر مشخص به‌وجود آید و در کانون گرم خانواده رشد یابد و تمامی دستورهای فقهی و اخلاقی با این مبنا سازگار است «أَنَّ أَبَا الْحَسَنِ عَلِيَّ بْنَ مُوسَى الرِّضَا ﷺ: حَرَّمَ الرِّزَا لِمَا فِيهِ مِنَ الْفَسَادِ لِمَا فِيهِ مِنْ ذَهَابِ الْأَنْسَابِ وَتَرْكِ التَّرْبِيَةِ لِلْأَطْفَالِ؛ خداوند زنا را به خاطر تباهی نسل و ترک تربیت اطفال حرام کرده است» (صدوق، ۱۹۶۶، ج ۲، ص ۴۷۹).

با توجه به آیات قرآن، هدف اصلی از رابطه جنسی، تولیدمثل، تشکیل خانواده و تربیت نسل پاک است. اگرچه رفع نیاز جنسی حق مسلم و طبیعی هر انسانی است؛ ولی هدف اصلی نیست. هدف مهم‌تر ایجاد و تربیت نسل پاک است. این مسئله زمانی روشن می‌شود که بین این دو تناقض پیش آید، یعنی انسان لذت کمتری را باید تجربه کند تا بتواند نسل پاک تربیت کند و یا برای تجربه

۱. خداوند برای شما از جنس خودتان همسرانی قرار داد؛ و از همسرانتان برای شما فرزندان و نوه‌هایی به وجود آورد؛ و از پاکیزه‌ها به شما روزی داد.

۲. و فرزندان را از ترس فقر، نکشید! ما آنها و شما را روزی می‌دهیم؛ مسلماً کشتن آنها گناه بزرگی است.

۳. و از نشانه‌های او اینکه همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید، و در میانتان مودت و رحمت قرار داد؛ در این نشانه‌هایی است برای گروهی که تفکر می‌کنند.

۴. آنها لباس شما هستند؛ و شما لباس آنها (هر دو زینت هم و سبب حفظ یکدیگرید).

لذت بیشتر لازم باشد، از تولیدمثل و تربیت نسل پاک جلوگیری کند. خداوند می‌فرماید: «عاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَيَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا» (نساء، ۱۹)^۱ اگر این دو هدف در یک درجه از اهمیت قرار داشتند، به صورت منطقی نمی‌توان به معاشرت با زنی که تمایلی به آن وجود ندارد، دعوت شود. بنابراین با توجه به حرمت روش‌هایی که رابطه جنسی منجر به تولیدمثل نمی‌شود و تأکید بر ازدواج و فرزندآوری و اهمیت تربیت فرزندان و... می‌توان فهمید «هدف اصلی از ازدواج و رابطه جنسی، ایجاد نسل پاک است» (ابن بابویه، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۵۱۷).

مروری کوتاه بر دستورهای اسلام در این باره، اهمیت نهاد خانواده را نشان می‌دهد. مسئولیت اساسی والدین در برابر فرزندان، تربیت صحیح است. هرچند تربیت، که همه کردارها و فعالیت‌های والدین را در تمامی زمینه‌ها شامل می‌شود، اما منظور ما در اینجا آراستن فرزند به آداب اسلامی است. این مهم، پیش از انعقاد نطفه آغاز می‌شود و در دوران بارداری، زمان تولد و دوران کودکی و دوره‌های پس از آن ادامه می‌یابد. این مسئولیت به اندازه‌ای با اهمیت است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «حق فرزند بر پدر و مادر آن است که او را نیکو تربیت نمایند» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۱، ص ۳۸۹). والدین با تربیت صحیح، بهترین میراث را برای فرزندان خود بر جای می‌گذارند؛ زیرا پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «هیچ میراثی از ادب و تربیت صحیح برای فرزند بهتر نیست» (بروجردی، ۱۳۸۶، ج ۲۶، ص ۸۵).

تغذیه حلال و مناسب، انتخاب نام نیک، سوادآموزی و... از وظایف والدین در برابر فرزندان است. در قرآن کریم احکام فراوانی مانند وجوب نفقه زن بر مرد، وجوب اطاعت زن از مرد در وظایف زناشویی، وجوب نفقه اطفال بر والدین، احکام مربوط به طلاق، زن حائض، احکام روابط جنسی و... مطرح شده است؛ ولی واقعاً چه ارتباطی بین مسئله طلاق، وجوب استیذان طفل پیش از ورود به اتاق پدر و مادر و مسئله حجاب می‌توان تصور کرد؟ این احکام در صورتی می‌تواند قابل فهم باشد، که به روش سیستمی مطالعه شود، به این معنا که تلاش شود، قدر مشترک یا نتیجه مشترک بین این احکام کشف شود تا غرض و هدف از جعل احکام شرعی در یک موضوع روشن شود.

آنچه از تأمل و دقت در این آیات و احکام شرعی به وجود می‌آید آن است که خداوند انسان را از جنس مذکر و مؤنث خلق کرده است تا از ایشان نسلی پاک فراهم آید، یعنی از همان زمان که انسان به بلوغ جنسی می‌رسد، باید برای این وظیفه مهم از جهات مختلف آماده شود؛ یعنی دقیقاً در همین سن که دانش‌آموزان دبیرستانی در آن قرار دارند. برای تربیت یک نسل سالم و پاک لازم است احکام مختلفی وضع شود، مانند: حفظ کرامت انسان «یا أيها الناس إنا خلقناکم من ذکر و

۱. و با آنان، به‌طور شایسته رفتار کنید! و اگر از آنها، (به جہتی) کراهت داشتید، (فوراً تصمیم به جدایی نگیرید!) چه بسا چیزی خوشایند شما نباشد، و خداوند خیر فراوانی در آن قرار می‌دهد.

انثی و جعلناکم شعوبا و قبائل لتعارفوا ان اکرکم عند الله اتقاکم» (حجرات، ۱۳)، حرمت انواع روابط و استمتاعات جنسی به جز ازدواج، مانند لواط، مساحقه، خودارضایی و... تشویق به ازدواج «وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَىٰ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ» (نور، ۳۲)^۱ همه در این سیستم قابل درک است.

در این سیستم، چون هدف تربیت یک نسل است، همه احکام شرعی به شکلی تنظیم شده است که در عین رعایت حقوق والدین، حقوق کودکان به بهترین وجه تأمین شود. مثلاً چون فرزند تازه متولد شده نیاز به مراقبت دائمی مادر دارد، نیاز به حضور یک زن به صورت همیشگی در منزل است؛ به عنوان استوانه و محور خانواده، مربی کودکان، تأمین کننده نیازهای عاطفی و روحی و جسمی کودکان. بنابراین خداوند می فرماید: «وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ» (بقره، ۲۳۳)^۲ و یا در جای دیگر می فرماید: «وَأَقْرَبُونَ فِي بَيْتِكُمْ لَكَ فِي بَيْتِكَ وَ لَآ تَبْرَأُونَ الْجَاهِلِيَّةَ الْأُولَىٰ» (احزاب، ۳۳)^۳ و حق طلاق و حضانت کودکان را در دست مرد قرار می دهد، مبادا در کشاکش مشکلات و سختی های زندگی زن، عنان از کف بدهد و ریشه این بنیان را بگسلد. اگرچه در ظاهر به نظر برسد این حکم به سود زنان نیست، اما در واقع تأمین کننده امنیت و سلامت کودکان و خانواده است؛ زیرا آسیب های رشد کودکان در محیط های ناامن و عدم تأمین نیازهای عاطفی و جسمانی کودکان، آسیب هایی به مراتب بزرگ تر از تحمل رنج یک زن برای ادامه زندگی که شاید به آن، چندان علاقه ای ندارد، در پی دارد. رشد خشونت در جوامع غربی، به خاطر رشد کودکان در محیط های ناامن روانی گواه این موضوع است.

احکام حجاب، عفت، حرمت تجاوز، احسان زنان و... جهت سوق دادن مردان به سمت ازدواج وضع شده است و در چنین خانواده هایی است که خداوند اجازه می دهد یاد و ذکر وی حضور داشته باشد. «إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ» (فاطر، ۱۰).^۴ «فِي بَيْتٍ أَدْنَىٰ اللَّهِ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ» (نور، ۳۶)^۵؛ بنابراین لازم است فرزندان در جریان روابط جنسی پدر و مادر قرار نگیرند تا نیروی جنسی پیش از بلوغ عقل سبب آلوده شدن ایشان نشود. کودکان پیش از ورود به حریم شخصی پدر و مادر باید از والدین اجازه بگیرند و حریم خصوصی پدر و مادر را رعایت کنند، «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِيَسْتَأْذِنَكُمْ الَّذِينَ مَلَكَتْ

۱. مردان و زنان بی همسر خود را همسر دهید، همچنین غلامان و کنیزان صالح و درستکاران را.

۲. و با آنان، به طور شایسته رفتار کنید! و اگر از آنها، (به جهتی) کراهت داشتید، (فوراً تصمیم به جدایی نگیرید!) چه بسا چیزی خوشایند شما نباشد، و خداوند خیر فراوانی در آن قرار می دهد.

۳. و در خانه های خود بمانید، و همچون دوران جاهلیت نخستین (در میان مردم) ظاهر نشوید.

۴. سخنان پاکیزه به سوی او صعود می کند، و عمل صالح را بالا می برد.

۵. (این چراغ پرفروغ) در خانه هایی قرار دارد ... خانه هایی که نام خدا در آنها برده می شود، و صبح و شام در آنها تسبیح او می گویند.

أَيُّكُمْ وَالَّذِينَ لَمْ يَلْبُغُوا الْحُلُمَ مِنْكُمْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ» (نور، ۵۸)^۱ زنان به عنوان محور خانواده باید پاک دامن و اهل عبادت و قنوت و سجود باشند، «وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَىٰ وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَآتِينَ الزَّكَاةَ وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» (احزاب، ۳۳)^۲ عفت و پاکدامنی زنان سبب پاکی اهل خانه می‌گردد تا بتوانند فرزندان را به سمت و سوی راه صحیح رهنما باشند.

مطالب پیش گفته نمای بسیار کلی از مسائل مربوط به احکام خانواده است. نخستین هدف از ازدواج، تشکیل یک نسل سالم و پاک است. خداوند تشویق می‌کند با زنان مؤمنه و پاک‌دامن ازدواج کنید هر چند زیبارو نباشند و از ازدواج با زنان مشرک، هر چند زیبا، اجتناب کنید «وَلَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكِينَ حَتَّىٰ يُؤْمِنَ وَلَا أُمَّةً مُّؤْمِنَةً خَيْرٌ مِنْ مُّشْرِكَةٍ وَلَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكِينَ حَتَّىٰ يُؤْمِنُوا وَلَعَبْدٌ مُّؤْمِنٌ خَيْرٌ مِنْ مُّشْرِكٍ وَلَا أَعْبَابٌ» (بقره، ۲۲۱)^۳.

کسی که احکام خانواده را تبیین می‌کند، ابتدا باید از حرمت انسان و کودکان و اهمیت تشکیل نسل برای جوانان سخن بگوید و بعد به صورت سیستمی و قابل درک این احکام شرعی را بیان نماید و حتی از دانش‌آموزان خواسته شود در کشف رابطه این احکام با اهداف سیستم تدبیر کنند. در چنین فرایندی دختران جوان، در مورد آیات مربوط به طلاق، حق ارث، ... دچار سوء تفاهم نخواهند شد و گمان نمی‌کنند که فقه اسلامی حقوق ایشان را تضییع کرده است. در این نوع از آموزش، زنان وظیفه مهم و جایگاه وجودی خود را به عنوان محور خانواده درک خواهند کرد و خود را به عنوان عروسی در دست مردان و برای رفع نیاز جنسی ایشان و التذاذ آنها نخواهند دانست.

هنگامی که نویسندگان کتاب دین و زندگی نخستین هدف از ازدواج را رفع نیاز جنسی برای جوانان معرفی می‌کنند، در واقع دختران را به سمتی سوق می‌دهند که سعی کنند برای این منظور انتخاب شوند و این صحنه‌ای است که پس از چهل سال از حکومت اسلامی و میل افراطی به بدحجابی و آرایش و... در نوجوانان و جوانان دیده می‌شود. پژوهش‌های جامعه‌شناختی نشان می‌دهد میزان آرایش دختران در ایران ارتباط مستقیمی با جنسیت مخاطب ایشان در گروه‌های اجتماعی دارد (موحد، ۱۳۸۹، ص ۷۹-۱۰۶).

۱. ای کسانی که ایمان آورده‌اید! بردگان شما، و همچنین کودکانتان که به حد بلوغ نرسیده‌اند، در سه وقت باید از شما اجازه بگیرند.

۲. و در خانه‌های خود بمانید (و جز برای کارهایی که خدا بیرون رفتن برای انجام آنها را اجازه داده است، از خانه‌ها بیرون نروید) و همچون جاهلیت پیشین در میان مردم ظاهر نشوید و خودنمایی نکنید (و اندام و وسایل زینت خود را در معرض تماشای دیگران قرار ندهید) و نماز را برپا دارید و زکات را بپردازید و از خدا و پیغمبرش اطاعت نمایید. خداوند قطعاً می‌خواهد پلیدی را از شما اهل بیت دور کند و شما را کاملاً پاک سازد.

۳. و با زنان مشرک و بت‌پرست، تا ایمان نیاورده‌اند، ازدواج نکنید! (اگرچه جز به ازدواج با کنیزان، دسترسی نداشته باشید؛ زیرا) کنیز با ایمان، از زن آزاد بت‌پرست، بهتر است؛ هر چند (زیبایی، یا ثروت، یا موقعیت او) شما را به شگفتی آورد.

در این کتاب، در هیچ درسی به احکام مربوط به حقوق کودکان و وظایف پدر و مادر در برابر فرزندان نشان پرداخته نشده است. این آسیب مهم و جدی است و نتایج بسیار منفی را در جامعه به دنبال خواهد داشت، در حالی که اگر دختر و پسر در ابتدای ازدواج بدانند، به دنبال پذیرفتن این عقد، باید چه مسئولیت مهمی را بپذیرند، بی‌تردید با نگرشی صحیح‌تر اقدام به ازدواج خواهند نمود و خود را برای پذیرفتن این مسئولیت از جهت مختلف (آمادگی معنوی، تربیتی، اقتصادی و...) آماده می‌کنند.

گفتنی است پژوهش اجرا شده نشان می‌دهد، اکثریت جامعه آماری دانش‌آموزان و معلمان، بر این باورند که تعالیم این کتاب‌ها نقشی در حل مشکلات خانوادگی جوانان ندارد (ابراهیم زاده، ۱۳۸۹، ص ۱۰-۱۵).

۲. احکام مربوط به اقتصاد

یکی از مهم‌ترین مشکلات جامعه معاصر ایران، مشکلات اقتصادی است: مانند تورم، فقر، بیکاری، فساد اقتصادی، رباخواری، کم‌فروشی، احتکار. آموزش‌های دین و زندگی، برای جوانان نیز باید متناسب با این ضرورت‌ها باشد. همچنین آموزش باید به شکلی باشد که جوانی را که پس از این ممکن است به محیط کسب و کار وارد شود، با احکام شرعی تجارت و معامله آشنا کند. همچنین باید تأکید زیادی بر مسئله پرداخت مالیات واجب شرعی مانند زکات، خمس و نقش آن در توسعه اقتصادی و عدالت جامعه و رفع فقر و بیکاری بشود. در حالی که در مجموع این سه کتاب، به موضوع اهداف اسلام در نظام‌های اقتصادی، کمتر از نصف صفحه پرداخته شده است.

احکام مربوط به اقتصاد به روش سیستمی

آیات قرآن در موضوعات مختلف به صورت یک سیستم عمل می‌کند که می‌توان آن را به‌عنوان مبانی نظری قرآنی در موضوعات مختلف اقتصاد، سیاست، خانواده، آموزش و... معرفی کرد؛ مثلاً مبنای مهم قرآن در اقتصاد، جلوگیری از تراکم ثروت در دست عده‌ای خاص است، ثروت باید در رگ‌های اقتصاد جامعه حرکت کند و در دست همه باشد، «كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ» (حشر، ۷).^۱ این مسئله را می‌توان از توجه به موضوعات مختلف دریافت: مثل حرمت ربا، حرمت غصب، حرمت کنز‌ذهب و فضنه، وجوب خمس، زکات فطریه، فدییه، کفاره، صدقه، حق معلوم، ... (تسخیری، ۱۳۸۳، ص ۹۷-۱۰۸؛ کهنوجی، ۱۳۹۰، ص ۱۸۵-۲۰۸).

۱. تا (این اموال عظیم) در میان ثروتمندان شما دست به دست نگردد!

در این حیطه، نقش جایگاه و تبیین حکم خمس که روش توزیع مجدد ثروت است، بسیار اهمیت دارد. خمس به معنای یک پنجم سود مازاد در آمد سالیانه است که باید به حاکم کشور اسلامی پرداخته شود (صاحب جواهر، ۱۳۶۷، ج ۲، ص ۱۶)، در نظریه ولایت فقیه، خمس، ابزار حاکم جهت رشد و توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی حاکم است و پرداخت نکردن آن سبب ناتوانی حاکم، از ایفای وظایف وی می شود (امام خمینی، ۱۴۲۳، ق، ص ۳۴). پژوهش های اقتصادی نشان داده است، پرداخت این پول به تنهایی می تواند مشکل فقر و بیکاری را در جامعه ایران برطرف نماید (موسائی، ۱۳۸۷، ص ۹۴-۱۱۹).

در حال حاضر، کسانی که پس از دبیرستان به حوزه کار اقتصادی و معاملات وارد می شوند و یا در سنین بالاتر به کسب و کار مشغول می شوند، اطلاعاتی در مورد احکام اقتصادی اسلامی ندارند. پژوهش انجام شده درباره آگاهی دانشجویانی که این کتاب های آموزشی را گذرانده اند، نشان می دهد کمتر از یک درصد آنها از مفهوم خمس مطلع هستند. چگونه از چنین جامعه ای می توان توقع پرداخت خمس را داشت، در حالی که تأکید ائمه شیعه علیهم السلام بر مسئله خمس بسیار جدی بوده است، ولی این مهم به صورت کلی در کتاب های دین و زندگی مغفول باقی مانده است.

در حالی که فقر و مشکلات اقتصادی یکی از معضلات مهم جامعه ایران است، ولی کمترین آمادگی، وظیفه شناسی و مسئولیت و تمرین های لازم در این باره که یکی از مهم ترین بخش از احکام شرعی است، در این کتاب ها دیده نمی شود. نباید از دانش آموزی که در سال های بعد به مرحله کسب و کار وارد می شود، توقع پرداخت حقوق مالی شرعی و یا رعایت احکام حلال و حرام را داشت؛ زیرا در این باره به او آموزشی داده نشده است. طبیعی است اگر مؤلفان این کتاب ها، در این باره چاره اندیشی جدی نکنند، این مشکلات روز به روز و در نسل های بعد بیشتر خواهد شد. با توجه به اینکه کتاب های دین و زندگی مربوط به تمام رشته هاست و دانش آموزان همه رشته های باید این واحدهای درسی را بگذرانند، برخی از دانش آموزان پس از گذراندن دوره متوسطه بدون ادامه تحصیل در مقاطع بالاتر، مستقیماً وارد بازار کار و تولید می شوند و در اقتصاد کشور نقش مهمی را ایفا می کنند. باید با احکام شرعی، به ویژه خمس و زکات آشنایی کافی داشته باشند تا بتوانند در رشد و شکوفایی اقتصادی کشور، نقش خود را به درستی ایفا کنند. طرح این موضوعات برای دانش آموزان می تواند در ایجاد انگیزه کسب درآمد مؤثر باشد و آن را وظیفه ای دور از ذهن و مختص به پدر و مادر نبینند.

باید توجه داشت، بخش مهمی از آموزه های فقهی که خود بیشترین تراث شیعی را شامل می شود، مربوط به احکام معاملات و مکاسب و احکام اقتصادی است.

در تحقیقی که از دانشجویان نیم‌سال اول از رشته‌های مختلف، به عمل آمد (آژند، ۱۳۹۶، ص ۹۸-۱۰۵)، این ادعا ثابت شد که دانشجویان در بحث، اعتقادات و اخلاق قوی بودند اما در پاسخ به مسائل فقهی ناتوان بودند. با توجه به اینکه یکی از مهم‌ترین مشکلات جامعه ایران مشکل اقتصادی است، چگونه دانش‌آموزی که خمس را نمی‌شناسد و با مباحث مربوط به خمس آشنا نیست، در آینده از او انتظار برود که خمس بدهد و در رشد اقتصادی کشورش سهیم باشد. در حالی که نقش خمس در از بین بردن فقر در جامعه می‌تواند بسیار پررنگ باشد و خمس از جمله مسائلی است که برای هزینه‌کرد صحیح آن باید برنامه‌ریزی شود. با خمس می‌توان بسیاری از اصلاحات و اقدامات را در کشور اسلامی اجرا کرد. اگر در جامعه‌ای یک‌پنجم درآمد مازاد سالانه، صرف امور خیریه شود، امکان ندارد آن جامعه دچار فقر شود.

نتیجه‌گیری

درس دین و زندگی جایگاه ویژه‌ای در تربیت دینی دانش‌آموزان دارد. بنابراین باید قابلیت جذب و جلب توجه دانش‌آموزان را داشته باشد. متون آموزشی، یکی از ارکان مهم ارائه ارزش‌های مذهبی است؛ بنابراین باید در ملاک‌های انتخاب محتوا در جهت انتقال ارزش‌های دینی، حساسیت ویژه‌ای داشت.

ارزشیابی برنامه درسی یکی از مؤلفه‌های بسیار اساسی در بهسازی و بهبود برنامه درسی، از طراحی برنامه تا تولید ماده آموزشی است که به هنگام تکوین برنامه اجرا می‌شود و می‌تواند برنامه‌ریزان و تهیه‌کنندگان یک برنامه را به شکل علمی و منطقی یاری رساند.

در آموزه‌های اسلامی فقه به‌عنوان دانش مادر شناخته می‌شود و دانش اعتقادات و اخلاق در واقع نقش ابزاری و مقدماتی برای آموزه‌های فقهی دارد، ولی به تدریج این علوم گسترش یافته‌اند.

در طول تاریخ، در آموزه‌های معصومان علیهم‌السلام، فقه مهم‌ترین موضوع مورد اهتمام ائمه شیعه علیهم‌السلام بوده است، فقه دارای کارکردهای مهمی در رشد و توسعه تمدن بشری است، مانند تطهیر، وقت‌شناسی، مسئولیت‌پذیری و اطاعت‌پذیری.

تحلیل محتوای مضمونی کیفی و کمی نشان می‌دهد، آموزه‌های فقهی از دو جهت در کتب دین و زندگی قابل نقد است، اولاً، از نظر کمی که کمتر از ۱۰ درصد محتوای این کتب را به خود اختصاص داده است و کاستن از این بخش از آموزه‌های دینی هیچ توجیه عقلانی و دینی ندارد؛ ثانیاً، بسیاری از احکام مورد نیاز جامعه جوان در ایران در این کتاب مطرح نشده است، مانند احکام مربوط به تربیت فرزندان و احکام مربوط به معاملات و احکام مربوط به خمس؛ ثالثاً،

مقدار مطرح شده از جهت روش، دارای آسیب است، پیشنهاد می‌شود برای تبیین بهتر احکام شرعی برای جوانان از روش طرح سیستمی احکام فقهی بهره برده شود و به اهداف شارع از جعل احکام توجه شود، چون تبیین دقیق اهداف شارع زمینه را برای پذیرش و تبعیت از احکام شرعی فراهم می‌کند؛ رابعاً، به نیازهای جامعه ایران در طرح موضوعات فقهی توجه بیشتری شود، مثلاً در احکام خانواده، احکام مربوط به حقوق متقابل زوجین و حقوق فرزندان و در احکام اقتصادی احکام مالی مربوط به خمس، معاملات، ... در اولویت قرار گیرد.

تبیین احکام فقهی به روش سیستمی دارای آثار مثبت فراوانی است، ۱. برای دانش‌آموزان جذابیت دارد؛ ۲. قدرت تفکر و تدبیر دانش‌آموزان را در کشف روابط اجزای بین یک سیستم تقویت می‌کند که این روش در دانش‌های مختلف و در روابط اجتماعی و سیاسی دارای کارکرد مفیدی است؛ ۳. فهم بهتر و دقیق‌تر و قابل پذیرش‌تری از احکام شرعی برای جوانان ارائه می‌شود؛ ۴. اعجاز و الهی بودن قرآن کریم و وحیانی بودن سنت نبوی برای جوانان بیشتر قابل درک می‌شود.

منابع

۱. قرآن کریم (۱۳۷۳)، ترجمه ناصر مکارم شیرازی، قم: دفتر مطالعات تاریخ و فرهنگ اسلامی.
۲. آشتیانی، مهدیه (۱۳۹۱)، «اهداف ازدواج و کارکردهای آن از منظر اسلام»، پژوهش‌های زنان، ش ۳۱۳، ص ۵۵-۸۴.
۳. ابراهیم زاده، عیسی (۱۳۸۹)، «میزان تحقق اهداف درس دین و زندگی»، مجله رشد آموزش قرآن، ش ۷۶، ص ۱۰-۱۵.
۴. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۸۵)، علل الشرائع، قم: کتاب‌فروشی داوری.
۵. ابن براج (۱۴۰۶ق)، المذهب، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۶. ابن سعد، محمد بن سعد بن منیع (۱۴۱۸)، الطبقات الکبری، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۷. ابن شبه، عمر بن شبه (۱۳۹۹)، تاریخ المدینه، جده، سید حبیب محمود.
۸. ابن فارس، احمد (۱۴۰۴ق)، معجم مقاییس اللغه، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
۹. ایمانی، محسن (۱۳۸۳)، «تحلیل محتوای کتاب هدیه‌های آسمانی»، فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، ش ۷، ص ۱۱۶-۱۴۲.
۱۰. باردن، لوئیس (۱۳۷۵)، تحلیل محتوا، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
۱۱. بازرگان، مهدی (۱۳۳۸)، «بعضی نظریات پیشنهادی در زمینه تعلیمات دینی»، مجموعه حکمت، ص ۸-۱۲.
۱۲. بحرانی، محمود (۱۳۹۲)، «تحلیل آمارهای ازدواج و طلاق زوج‌های ایرانی»، جمعیت، ش ۸۵، ص ۴۳-۵۶.
۱۳. برقی، احمد بن محمد بن خالد (۱۳۷۱)، المحاسن، قم: دارالکتب الاسلامیه.
۱۴. بروجردی، آقا حسین (۱۳۸۶)، جامع احادیث الشیعہ، تهران: انتشارات فرهنگ سبز.
۱۵. بلاذری، احمد بن یحیی (۱۴۱۱ق)، انساب الاشراف، بیروت: دارالفکر.
۱۶. بناری، علی‌همت (۱۳۸۱)، «نگاهی به تعامل فقه و تربیت»، مجله معرفت، ش ۵۷، ص ۳۹-۴۹.
۱۷. پژوهشکده تحقیقات اسلامی (۱۳۸۶)، فرهنگ شیعه، قم: زمزم هدایت.
۱۸. تسخیری، محمد (۱۳۸۳)، «مصالح مرسله و امکان حجیت آن»، فقه اهل البیت (ع)، ش ۴، ص ۹۷-۱۰۱.
۱۹. جانی‌پور، محمد (۱۳۹۲)، «رهاوردهای استفاده از روش تحلیل محتوا در فهم احادیث»، پژوهش‌های قرآن و حدیث، ش ۲، ص ۲۷-۵۸.

۲۰. جمعی از مولفان (بی تا)، مجله اهل البيت علیهم السلام، قم: دایره المعارف فقه اسلامی، ج ۱، ص ۵۰ (نرم افزار جامع فقه).
۲۱. حجاب، محمد بنیه (۱۹۶۱)، مظاهر الشعوبية في الادب العربي، مصر: مكتبة النهضة.
۲۲. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، وسائل الشیعة، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۲۳. حسن زاده آملی (۱۳۸۱)، هزار و یک کلمه، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۲۴. حکیمی، محمدرضا (۱۴۲۱ق)، «الاجتهاد بين احكام الدين و اهداف الدين»، قضایا الاسلامیه، ش ۱۰، ص ۱۰۵-۱۱۴.
۲۵. خمینی، روح الله (۱۴۲۳ق)، ولایت فقیه، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته الله علیه.
۲۶. خوئی، بهی (۱۳۷۶)، «تحدید النسل، منبر الاسلام»، ش ۱، ص ۲۰-۲۲.
۲۷. رضایی اصفهانی (۱۳۸۷)، تفسیر مهر قرآن، تهران: پژوهشنامه تفسیر و قرآن.
۲۸. رضایی زارچ، رضا (۱۳۸۹)، «بررسی نسبت جهانی شدن با تربیت دینی»، مجله مهندسی فرهنگی، ش ۳۷، ص ۲۲-۳۷.
۲۹. ساعدی، شاکر عطیه (۱۴۲۶)، المعاد الجسماني، قم: المركز العالمي للدراسات.
۳۰. شهید ثانی (۱۴۲۰ق)، الفوائد الملیة، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۳۱. شعاری نژاد، علی اکبر (۱۳۸۸)، «تعلیم و تربیت»، رشد معلم، ش ۲۴۵، ص ۱۴-۱۷.
۳۲. صاحب جواهر، محمد بن باقر (۱۳۶۷)، جواهر الکلام، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۳۳. صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۹۶۶)، علل الشرائع، قم: انتشارات داوری.
۳۴. صرامی، سیف الله (۱۳۸۳)، «درآمدی بر جایگاه مصالح مرسله»، قبسات، ش ۳۲، ص ۸۱-۱۰۰.
۳۵. صنفور، محمد (۱۴۲۸)، المعجم الاصولی، قم: منشورات الطیار.
۳۶. طالبی، ابوتراب (۱۳۹۱)، «مسئولیت پذیری اجتماعی جوانان»، علوم اجتماعی، ش ۵۹، ص ۲۰۷-۲۴۰.
۳۷. طباطبایی، محمدحسین (۱۴۱۷ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۲۰، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۳۸. علی صغیر، محمدحسین (۲۰۰۴)، الامام جعفر الصادق، دمشق: دار سلونی.
۳۹. غزالی، ابوحامد (۱۴۱۶ق)، مجموعه رسائل غزالی، بیروت: دارالفکر.
۴۰. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰ق)، کتاب العین، قم: دارالهجره.
۴۱. قایماز ذهبی، شمس الدین أبو عبدالله (۱۴۰۵ق)، سیر أعلام النبلاء، بیروت: مؤسسة الرسالة.

۴۲. کشی، محمدبن عمر (۱۳۴۸)، رجال الکشی، مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد.
۴۳. کلینی، محمدبن یعقوب (۱۴۰۷ق)، الکافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۴۴. کهنوجی، مرضیه (۱۳۹۰)، «اقتصاد اسلامی»، سفیر نور، ش ۲۰، ص ۱۸۵-۲۰۸.
۴۵. کشی، محمد بن عمر (۱۳۴۸)، رجال الکشی، مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد.
۴۶. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، بحارالانوار، بیروت: دارالکتب.
۴۷. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳)، بحارالانوار، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۴۸. مرعشی تستری نورالله (۱۴۰۹ق)، احقاق الحق وازهاق الباطل، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
۴۹. مزیدی، محمد (۱۳۹۵)، «تحلیل محتوای کتاب‌های دین و زندگی»، پژوهش‌های برنامه درسی، ش ۱، ص ۶۷-۹۹.
۵۰. مسعودی، غلامحسین (۱۳۸۲)، مبانی و اصول آموزش و پرورش، مشهد: آستان قدس رضوی.
۵۱. مطهری، مرتضی (بی تا)، فقه و حقوق، قم: بینا.
۵۲. ملکی، علی (۱۳۹۷)، «مبانی مشروعیت نظام جمهوری اسلامی»، سیاست متعالیه، ش ۲۱، ص ۷۷-۹۴.
۵۳. موحد، مجید (۱۳۸۹)، «آرایش و زندگی اجتماعی دختران جوان»، زن در توسعه و سیاست، ش ۲۸، ص ۷۹-۱۰۶.
۵۴. موسائی، میثم (۱۳۸۷)، «بررسی نقش خمس در رفع فقر مطالعه موردی شهر شال قزوین»، مجله راهبرد توسعه، ش ۱۶، ص ۹۴-۱۱۹.
۵۵. مهدوی کنی، محمدرضا (۱۳۸۴)، نقطه‌های آغاز در اخلاق عملی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۵۶. حسین، میرحامد (۱۳۶۶)، عبقات الانوار، اصفهان: کتابخانه امیرالمؤمنین.
۵۷. میرزائی، مهدی (۱۳۹۰)، «مدلی برای سنجش رابطه دین‌داری و فرهنگ سیاسی»، پژوهش سیاست نظری، ش ۲۳، ص ۲۷-۵۵.
۴۸. همامی، عباس (۱۳۹۳)، «جایگاه عقلانی اخلاق در ادیان توحیدی»، پژوهش دینی، ش ۲۸، ص ۱-۲۰.
49. Alishahi ghalehjoug, Abolfazl, et al, (2017), Rereading the Motivations Behind the Prohibition of Narrations and Recording Traditions and Their Historical Implications, *Journal of Shi'a Islamic Studies*, p. 313-341.